

## پیش‌بینی مشکلات بین‌شخصی فرزندان بر اساس سبک‌های والدگری Predicting children's interpersonal problems in terms of parenting styles

**Mitra Kamran**

PhD student in Health Psychology

**Dr. Mohammad Ali Besharat \***

University of Tehran

**Dr Nima Ghorbani**

University of Tehran

میترا کامران

دانشجوی دکتری روانشناسی سلامت

دکتر محمدعلی بشارت نویسنده مسئول

استاد دانشگاه تهران

دکتر نیما قربانی

استاد دانشگاه تهران

### Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between parenting styles and children's interpersonal problems. In this study, 249 Tehran women and men (156 women, 93 men) were referred to the family courts. Participants completed the Parent's Authority Questionnaire (PAQ), a short form of In-Person Problem Questionnaire (IIP-30). The results of this study showed that there is a significant negative correlation between parenting styles of parents and the children's interpersonal problems, and there is a significant negative correlation between parental parenting style and interspecific problems of children. The results of the study showed a positive, but non-significant relationship between parents' promiscuity parenting style and interpersonal problems of their children. Based on the findings of this research, it can be concluded that interpersonal relationships and interpersonal problems of children are likely to be affected by the parenting styles of their parents.

**Keywords:** interpersonal problem, parenting, relationship

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات بین‌شخصی فرزندان صورت گرفت. تعداد ۲۴۹ زن و مرد تهرانی (۱۵۶ زن، ۹۳ مرد) مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده به صورت داوطلب در این پژوهش شرکت کردند. شرکت کنندگان، پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ)، فرم کوتاه پرسشنامه مشکلات بین‌شخصی (IIP-30) را تکمیل کردند. نتایج پژوهش نشان داد که سبک‌های والدگری مقتدرانه پدر و مادر با مشکلات بین‌شخصی فرزندان رابطه منفی معنادار و سبک والدگری آمرانه پدر و مادر با مشکلات بین‌شخصی فرزندان رابطه مثبت معنادار دارد. نتایج پژوهش رابطه بین سبک والدگری سهل‌گیرانه پدر و مادر با مشکلات بین‌شخصی فرزندان را مثبت اما غیر معنادار نشان داد. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که روابط بین‌فردی و مشکلات بین‌شخصی فرزندان احتمالاً تحت تأثیر سبک‌های والدگری والدین آنها قرار می‌گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** والدگری، مشکلات بین‌شخصی، روابط بین فردی

### مقدمه

یکی از جنبه‌های مهم انسان بودن نیاز و توانایی برقراری روابط اجتماعی است (شوتز و مالتون، ۲۰۱۷). توانایی انعطاف پذیری بین‌شخصی یا تنظیم رفتار موقعیت‌های بین‌شخصی، به طور مستقیم بر سازگاری روانشناختی فرد تأثیر می‌گذارد (چنگ، لاو و چان، ۲۰۱۴). افراد با خودآگاهی پایین و ناگویی هیجانی، در موقعیت‌های بین‌شخصی از الگوی مخرب استفاده می‌کنند و دچار مشکلات بین‌شخصی می‌شوند (پل هاوس و مارتین، ۱۹۸۸؛ به نقل از شوتز و همکاران، ۲۰۱۷). مشکلات بین‌شخصی، مشکلاتی هستند که افراد در ارتباط با دیگران دارند و به پریشانی قابل ملاحظه ای منجر می‌شود یا با آن در ارتباط است (باونکه، ۲۰۱۵؛ هرویتز، روزنبرگ، بایر،

1. Schuetz., & Multon.
2. Cheng., Lau., & Chan.
3. Paulhus., & Martin.
4. interpersonal problem
5. Boehnke.

اورانو و ویلاسنور<sup>۱</sup> (۱۹۸۸). در زمینه روابط بین‌شخصی هرویتز و همکاران (۱۹۸۸)، شش بعد اساسی را مطرح می‌کنند: قاطعیت<sup>۲</sup>، مردم‌آمیزی<sup>۳</sup>، مهارگری<sup>۴</sup>، صمیمیت<sup>۵</sup>، مسؤولیت‌پذیری<sup>۶</sup> و اطاعت‌پذیری<sup>۷</sup>.

مطالعات نشان داده‌اند که مشخصه‌های بهنجار و نابهنجار روابط بین‌شخصی از الگوی روابط اولیه والد-فرزند تأثیر می‌پذیرند (پاستورلی، لانسفورد، کاناکری، مالون، جینتا و همکاران<sup>۸</sup>؛ ۲۰۱۶؛ لانسفورد<sup>۹</sup>؛ ۲۰۱۷؛ جیانگ، وانگ، ژانگ، لیو، دینگ و همکاران<sup>۱۰</sup>؛ ۲۰۱۵). تعامل‌های والدین با فرزندان را می‌توان در قالب نظریه‌های مربوط به والدگری<sup>۱۱</sup> و سبک‌های آن تبیین کرد. مفهوم سبک‌های والدگری به نگرش والدین در ارتباط با کودک و تشکیل یک رابطه عاطفی والد-کودک که در رفتارهای مختلف والدین رخ می‌دهد، گفته می‌شود (دارلینگ و استینبرگ<sup>۱۲</sup>؛ ۱۹۹۲). بررسی سبک‌های والدگری، معمولاً بر اساس طبقه‌بندی بامریند<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۱)، در سبک‌های مقتدرانه<sup>۱۴</sup>، آمرانه<sup>۱۵</sup> و سهل‌گیرانه، سازماندهی شده‌اند. دو بعد مستقل پاسخگو بودن<sup>۱۶</sup> و مطالبه‌گری<sup>۱۷</sup> برای والدگری شناسایی شده‌اند (بامریند، ۱۹۸۹، ۱۹۹۱؛ مک‌بوی و مارتین<sup>۱۸</sup>؛ ۱۹۸۳). بعد اول به پرورش والدین، مهربانی و ابراز هیجان‌ها و احساسات فرزندان و میزان بیان عقیده و نظرات کودک اطلاق می‌شود. بعد مطالبه‌گری به میزان توقعات و انتظارات والدین از فرزندان و میزان اعمال نظم و مهارگری اشاره دارد. بدین ترتیب چهار سبک والدگری به وجود می‌آید (بشارت، هوشمند، رضازاده و لواسانی، ۱۳۹۴): سبک والدگری مقتدرانه (پاسخگویی زیاد، مطالبه‌گری زیاد)، آمرانه یا استبدادی (پاسخگویی کم، مطالبه‌گری زیاد)، سهل‌گیرانه (پاسخگویی زیاد، مطالبه‌گری کم) و مسامحه‌کارانه (پاسخگویی کم، مطالبه‌گری کم).

توانایی کودکان برای رفتارهای مثبت در محیط اجتماعی با تجربه روابط نزدیک و صمیمانه در خانواده رابطه دارد (هاستینگ، میلر و تروکسل<sup>۱۹</sup>؛ ۲۰۱۵). به عنوان مثال، سبک والدگری مقتدرانه با ترکیبی از حمایت عاطفی بالا و کنترل مناسب، با شناخت به موقع رفتارهای انحرافی و تنبیه مناسب به شکل‌گیری مهارگری و اتخاذ رویکرد مناسب و همدلی با دیگران (آیزنبرگ، اسپینارد و نافو-نم<sup>۲۰</sup>؛ ۲۰۱۵) و یادگیری راه‌های مؤثر تنظیم هیجان در کودک کمک می‌کند (برنشتاین، ون‌دلن و شفر<sup>۲۱</sup>؛ ۲۰۱۷؛ مالتی، کیم، آیزنبرگ و بوچمن<sup>۲۲</sup>؛ ۲۰۱۳). سبک والدگری آمرانه، موجب شکل‌گیری حس بی‌ارزشی در فرزندان می‌شود. افرادی که تجارب اولیه آنها باعث شده تا خود را شایسته ارزیابی نکنند، با اجتناب از صمیمیت و ارزیابی منفی دیگران، روابط خصمانه را تجربه می‌کنند (ترکش‌دوز، فرخزاد، ۱۳۹۵؛ دیوید و بردن<sup>۲۳</sup>؛ ۲۰۱۷؛ سامر، بابکوک و شارپ<sup>۲۴</sup>؛ ۲۰۱۷). قاطعیت با احقاق حق بدون تزییع حقوق دیگران، مهارت حل‌مسأله و خودپسروی در روابط همراه است (گرین<sup>۲۵</sup>؛ ۲۰۱۷؛ لانسفورد، شرما، مالون، وودلایف، داج و همکاران<sup>۲۶</sup>؛ ۲۰۱۴). سبک‌های والدگری منفی مانند والدگری آمرانه مهارگری فرزندان را کاهش می‌دهد (صفاییان، علیزاده، و فرخی، ۱۳۹۵؛ لی، دانگ، ژانگ، و گوا<sup>۲۷</sup>؛ ۲۰۱۴). فرزندان با والدین

1. Horowitz., Rosenberg., Baer., Ureno., & Villasenor.

2. assertivness

3. sociability

4. controlling

5. intimacy

6. responsibility

7. domination

8. Pastorelli., Lansford., Kanacri., Malone., Giunta., et al.

9. Lansford, J. E

1. Jiang., Wang., Zhang., Liu., Ding., et al. 0

1. parenting style 1

1. Darling., & Steinberg. 2

1. Baumrind. 3

1. authoritative 4

1. authoritarian 5

1. responsiveness 6

1. demandingness 7

1. Maccoby., & Martin. 8

1. Hastings., Miller., & Troxel. 9

2. Eisenberg., VanSchyndel., & Hofer 0

2. Bornsteina., Van dellen., & Shaffer. 1

2. Malti., Eisenberg., Kim., & Buchmann. 2

2. David., & Bearden. 3

2. Sommer, J., Babcock, J., & Sharp, C. 4

2. Green. 5

2. Lansford., Sharma., Malone., Woodlief., Dodge., Oburu., et al. 6

2. Li., Dang., Zhang., Zhang., & Guo 7

مستبد، که شاهد خشونت و رفتارهای آمرانه در خانواده هستند، بیشتر رفتارهای خشونت آمیز در رابطه‌های بزرگسالی خود نشان می‌دهند (بازا، کارراس، مونوز، برازا، آزورمندی و همکاران؛ ۲۰۱۵؛ تمنایی فر و کمال، ۱۳۹۳؛ گومز- اورتیز، رومزا و اورتگا رویز، ۲۰۱۶).  
 با استناد به یافته‌های موجود، به منظور بررسی قدرت پیش بینی مشکلات بین‌شخصی فرزندان بر اساس سبک‌های والدگری والدین، فرضیه‌های پژوهش حاضر به این شرح بررسی شد: فرضیه اول: سبک والدگری مقتدرانه پدر و مادر با مشکلات بین‌شخصی فرزندان رابطه منفی دارد؛ فرضیه دوم: سبک والدگری آمرانه پدر و مادر با مشکلات بین‌شخصی فرزندان رابطه مثبت دارد؛ فرضیه سوم: سبک والدگری سهل گیرانه والدین با مشکلات بین‌شخصی فرزندان رابطه مثبت دارد.

## روش

جامعه آماری این پژوهش، زنان و مردان متأهل ساکن شهر تهران و نمونه پژوهش، مراجعه‌کنندگان به دادگاه‌های خانواده تهران در سال ۱۳۹۵ بودند. از ۲۹۲ زن و مرد مراجعه کننده به دادگاه‌های خانواده موجود در تهران برای شرکت در پژوهش درخواست شد به پرسشنامه‌های مرتبط با پژوهش پاسخ دهند. تعداد ۴۳ شرکت کننده در پژوهش به دلیل پاسخ ناقص به مقیاس‌ها از تحلیل‌های آماری کنار گذاشته شدند و به این ترتیب نمونه پژوهش تعداد ۲۴۹ نفر (۱۵۶ زن، ۹۳ مرد) به صورت داوطلب در این پژوهش شرکت کردند. میانگین سنی کل آزمودنی‌ها ۳۶/۱۸ سال، با دامنه ۱۹-۵۶ و انحراف استاندارد ۶/۷ بود. میانگین سنی آزمودنی‌های زن ۳۴/۴۷ سال، با دامنه ۱۹-۵۶ و انحراف استاندارد ۶/۳۷ بود. میانگین سنی آزمودنی‌های مرد ۳۹/۰۶ سال، با دامنه ۲۵-۵۲ و انحراف استاندارد ۶/۲۵ بود. برای تحلیل داده‌های پژوهش از شاخص‌ها و روش‌های آماری شامل فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

**پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ):** پرسشنامه اقتدار والدین یک ابزار ۳۰ گویه‌ای است و شیوه‌های فرزند پروری را در اندازه‌های پنج درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق) برحسب سه سبک اقتداری، آمرانه و سهل گیرانه می‌سنجد (بوری، ۱۹۹۱). این پرسشنامه نظر و برداشت فرزندان از سبک‌های فرزندپروری والدین را بررسی می‌کند. برای هر یک از والدین مخصوص توسط فرزند تکمیل می‌شود. حداقل و حداکثر نمره در هر زیرمقیاس به ترتیب ۱۰ و ۵۰ است. بوری (۱۹۹۱) ضریب پایایی بازآزمایی آیین پرسشنامه را برای سبک اقتداری مادر (۰/۷۸)، برای سبک اقتداری پدر (۰/۹۲)، برای سبک آمرانه مادر (۰/۸۶)، برای سبک آمرانه پدر (۰/۸۵)، برای سبک سهل گیرانه مادر (۰/۸۱) و برای سبک سهل گیرانه پدر (۰/۷۷) گزارش کرده است. در بررسی مقدماتی ویژگی‌های روانسنجی فرم فارسی این پرسشنامه در نمونه‌ای از جمعیت عمومی ( $n = 778$ ;  $\bar{x} = 397$ ،  $z = 381$  مرد)، ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های اقتداری، آمرانه و سهل گیرانه در مورد مادران به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۹ و ۰/۷۷ و در مورد پدران به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۱ و ۰/۷۳ محاسبه شد. همسانی درونی<sup>۵</sup> پرسشنامه اقتدار والدین را تایید می‌کنند. ضرایب همبستگی بین نمره‌های تعدادی از شرکت کنندگان در پژوهش (۶۲ زن، ۵۷ مرد) در دو نوبت با فاصله دو تا چهار هفته برای زیرمقیاس‌های پرسشنامه از  $r = 0.67$  تا  $r = 0.75$  محاسبه شد. این ضرایب که در سطح  $0.01 < p$  معنادار بودند، پایایی بازآزمایی پرسشنامه اقتدار والدینی را تایید می‌کنند (بشارت، ۱۳۹۰). روایی محتوایی پرسشنامه اقتدار والدین بر اساس داوری ده نفر از متخصصان روانشناسی و علوم تربیتی بررسی و ضرایب توافق کندال برای زیرمقیاس‌ها از ۰/۸۰ تا ۰/۸۹ محاسبه شد.

**مقیاس مشکلات بین‌شخصی - مقیاس مشکلات بین‌شخصی (IIP-30)** فرم کوتاه مقیاس ۱۲۷ سوالی و ۶۰ سوالی مشکلات بین‌شخصی (بشارت، ۱۳۸۸؛ بشارت و همکاران، ۱۳۸۹؛ هرویتز و همکاران، ۱۹۸۸)، یک آزمون ۳۰ گویه‌ای است و مشکلات بین‌شخصی را در شش زمینه قاطعیت، مردم آمیزی، اطاعت پذیری، صمیمیت، مسئولیت پذیری و مهارگری در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از نمره ۱ تا ۵ (خیلی کم؛ ۱؛ کم؛ ۲؛ متوسط؛ ۳؛ زیاد؛ ۴؛ خیلی زیاد؛ ۵) می‌سنجد. این مقیاس از دو قسمت تشکیل شده است: در قسمت اول که به چهار زیر مقیاس اول مربوط می‌شود، گویه‌ها با عبارت «برایم دشوار است که ...» شروع می‌شوند. در قسمت دوم، گویه‌ها با عبارت «...»

1. Braza., Carreras., Muñoz., BrazaAzurmendi., et al.

2. Gómez-Ortiz., Del Rey., Romera., & Ortega-Ruiz.

3. parental Authority Questionnaire (PAQ)

4. test-retest reliability

5. internal consistency

6. content validity

را خیلی زیاد انجام می‌دهم.» پرسیده می‌شوند. علاوه بر شش زیر مقیاس فوق، میانگین کل آزمودنی در زمینه مشکلات بین‌شخصی نیز بر اساس نمره وی در مجموع ۳۰ گویه مقیاس محاسبه می‌شود. در اعتباریابی فرم فارسی این مقیاس برای نمونه‌های دانشجویی (۱۷۳ دختر، ۱۲۴ پسر) و جمعیت عمومی (۳۸۵ زن، ۳۲۷ مرد)، ضرایب آلفای کرونباخ ماده‌های هر یک از زیرمقیاس‌ها از ۰/۷۷ تا ۰/۹۰ برای قاطعیت، از ۰/۸۳ تا ۰/۹۱ برای مردم‌آمیزی، از ۰/۷۵ تا ۰/۸۹ برای اطاعت‌پذیری، از ۰/۷۹ تا ۰/۹۱ برای صمیمیت، از ۰/۸۷ تا ۰/۹۳ برای مسولیت‌پذیری، از ۰/۸۵ تا ۰/۹۰ برای مهارگری و از ۰/۸۹ تا ۰/۹۳ برای نمره کل مشکلات بین‌شخصی محاسبه شد که نشانه همسانی درونی بالای مقیاس است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های دو نمونه ۹۷ و ۱۱۲ نفری در دو نوبت با فاصله دو تا شش هفته برای قاطعیت از ۰/۶۷ تا ۰/۷۸، برای مردم‌آمیزی از ۰/۶۱ تا ۰/۷۳، برای اطاعت‌پذیری از ۰/۶۸ تا ۰/۷۷، برای صمیمیت از ۰/۷۰ تا ۰/۷۹، برای مسولیت‌پذیری از ۰/۷۱ تا ۰/۷۸، برای مهارگری از ۰/۶۶ تا ۰/۷۵ و برای مشکلات بین‌شخصی (نمره کل) از ۰/۶۷ تا ۰/۷۸ به دست آمد و در سطح  $P < 0.001$  معنادار بودند. این ضرایب نشانه پایایی بازمآیایی رضایت بخش فرم ۶۰ گویه ای مقیاس مشکلات بین‌شخصی هستند (بشارت، ۱۳۹۴). به منظور بررسی روایی سازه مقیاس مشکلات بین‌شخصی (IIP-30)، از تحلیل عاملی اکتشافی<sup>۲</sup> با روش تحلیل مولفه‌های اصلی<sup>۳</sup> برای کل شرکت‌کنندگان در دو گروه استفاده شد. در تحلیل چرخش نیافته، بار عاملی اکثر گویه‌های مقیاس روی یک عامل کلی (مشکلات بین‌شخصی کلی) قرار گرفت. آزمون اسکری، که تعداد تقریبی عاملها را پیشنهاد می‌کند، نشان داد که شش عامل قاطعیت، مردم‌آمیزی، اطاعت‌پذیری، صمیمیت، مسئولیت‌پذیری و مهارگری وجود دارند و ۴۷ درصد (در نمونه دانشجویی) تا ۵۹ درصد (در نمونه جمعیت عمومی) از واریانس کل را تبیین می‌کنند (بشارت، ۱۳۹۴).

روایی همگرا<sup>۴</sup> و تشخیصی (افتراقی)<sup>۵</sup> مقیاس مشکلات بین‌شخصی (IIP-30) از طریق اجرای همزمان مقیاس سلامت روانی، مقیاس درجه بندی حرمت خود و مقیاس هوش هیجانی در مورد آزمودنی‌های دو گروه محاسبه شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره آزمودنی‌ها در زیر مقیاس‌های مشکلات بین‌شخصی با بهزیستی روانشناختی ۰/۵۴-، حرمت خود ۰/۶۶- و هوش هیجانی ۰/۶۵- همبستگی منفی معنادار و با درماندگی روانشناختی همبستگی ۰/۴۱ مثبت معنادار وجود دارد. این نتایج، روایی همگرا و تشخیصی مقیاس مشکلات بین‌شخصی (IIP-30) را تأیید می‌کنند.

### یافته‌ها

جدول ۱ شاخص‌های پراکندگی و گرایش مرکزی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. میانگین و انحراف استاندارد نمرات به تفکیک جنس و برای کل نمونه گزارش شده است. شاخص‌های کجی و کشیدگی متغیرها نشان داد که توزیع هیچ یک از متغیرها خارج از حالت نرمال نیست.

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد سبک‌های والدگری و مشکلات بین‌شخصی شرکت‌کنندگان

| متغیر / شاخص    | مرد     |                  | زن      |                  | کل    |
|-----------------|---------|------------------|---------|------------------|-------|
|                 | میانگین | انحراف استاندارد | میانگین | انحراف استاندارد |       |
| مقتدرانه پدر    | ۲۶/۶۲   | ۶/۷۵             | ۲۸/۸۵   | ۶/۶۹             | ۶/۷   |
| آمرانه پدر      | ۲۷/۴۱   | ۷/۴۴             | ۲۶/۸۵   | ۶/۸۷             | ۷/۰۸  |
| سهل‌گیرانه پدر  | ۲۶/۰۵   | ۵/۵۶             | ۲۴/۳۳   | ۴/۸۲             | ۵/۱۶  |
| مقتدرانه مادر   | ۲۶/۳۲   | ۶/۹۲             | ۲۷      | ۶/۵۸             | ۶/۷   |
| آمرانه مادر     | ۲۶/۰۱   | ۶/۵۸             | ۲۷/۲۱   | ۶/۴۳             | ۶/۵   |
| سهل‌گیرانه مادر | ۲۶/۸۲   | ۵/۶۱             | ۲۵/۲۳   | ۵/۲۱             | ۵/۴۱  |
| مشکلات بین‌شخصی | ۸۴/۳۱   | ۱۳/۳۶            | ۸۰/۴۴   | ۱۳/۹۷            | ۱۳/۸۴ |

1. construct validity

2. exploratory factor analysis

3. principal components analysis

4. convergent

5. discriminant

ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش در جدول ۲ گزارش شده است. مطابق یافته‌ها سبک والدگری مقتدرانه پدر با مشکلات بین‌شخصی ( $r=0/29, p=0/01$ ) و سبک والدگری مقتدرانه مادر با مشکلات بین‌شخصی ( $r=0/29, p=0/01$ ) رابطه منفی دارد. سبک والدگری آمرانه پدر با مشکلات بین‌شخصی ( $r=0/28, p=0/01$ )، سبک والدگری آمرانه مادر با مشکلات بین‌شخصی ( $p=0/01$ )، رابطه مثبت دارد. نتایج نشان می‌دهد که بین سبک والدگری سهل‌گیرانه پدر و مادر با مشکلات بین‌شخصی رابطه مثبت غیر معنادار وجود دارد.

جدول ۲- ماتریس ضرایب همبستگی سبک‌های والدگری و مشکلات بین‌شخصی شرکت‌کنندگان

| متغیر              | ۱            | ۲           | ۳           | ۴            | ۵           | ۶     | ۷           |
|--------------------|--------------|-------------|-------------|--------------|-------------|-------|-------------|
| ۱- مقتدرانه پدر    | ۱            |             |             |              |             |       |             |
| ۲- آمرانه پدر      | $-0/15^*$    | ۱           |             |              |             |       |             |
| ۳- سهل‌گیرانه پدر  | $0/43^{**}$  | $0/1$       | ۱           |              |             |       |             |
| ۴- مقتدرانه مادر   | $0/69^{**}$  | $-0/14^*$   | $0/38^{**}$ | ۱            |             |       |             |
| ۵- آمرانه مادر     | $-0/19^{**}$ | $0/66^{**}$ | $0/8$       | $-0/12$      | ۱           |       |             |
| ۶- سهل‌گیرانه مادر | $0/26^{**}$  | $0/2$       | $0/48^{**}$ | $0/43^{**}$  | $0/4$       | ۱     |             |
| ۷- مشکلات بین‌شخصی | $-0/29^{**}$ | $0/28^{**}$ | $0/2$       | $-0/29^{**}$ | $0/29^{**}$ | $0/2$ | $0/60^{**}$ |

\*\*  $P<0/01$ , \*  $P<0/05$ 

جدول ۳- نتایج رگرسیون برای پیش‌بینی مشکلات بین‌شخصی بر اساس سبک‌های والدگری

| معناداری | T        | بتا      | B        | R <sup>2</sup> | F        | متغیر پیش‌بین          | شاخص‌ها<br>/<br>متغیر ملاک |
|----------|----------|----------|----------|----------------|----------|------------------------|----------------------------|
| $0/03$   | $-2/159$ | $-0/183$ | $-0/378$ |                |          | سبک مقتدرانه پدر       | مشکلات<br>بین‌شخصی         |
| $0/011$  | $-2/572$ | $-0/221$ | $-0/457$ |                |          | سبک مقتدرانه مادر      |                            |
| $0/074$  | $1/797$  | $0/139$  | $0/272$  |                |          | سبک آمرانه پدر         |                            |
| $0/055$  | $1/952$  | $0/152$  | $0/319$  | $0/205$        | $10/406$ | سبک آمرانه مادر        |                            |
| $0/015$  | $2/452$  | $0/174$  | $0/466$  |                |          | سبک سهل‌گیرانه         |                            |
| $0/303$  | $1/033$  | $0/73$   | $0/187$  |                |          | پدر                    |                            |
|          |          |          |          |                |          | سبک سهل‌گیرانه<br>مادر |                            |

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون که در جدول ۳ ارائه شده است، نشان می‌دهد که سبک والدگری مقتدرانه پدر و مادر با ضریب بتای  $-0/183$  و  $-0/221$  پیش‌بینی‌کننده مشکلات بین‌شخصی در فرزندان هستند؛ بدین صورت سبک والدگری مقتدرانه والدین با کاهش مشکلات بین‌شخصی و سبک والدگری آمرانه پدر و مادر با ضریب بتای  $0/139$  و  $0/152$  با افزایش این مشکلات در فرزندان همراه است. طبق نتایج تحلیل رگرسیون ۲۰ درصد از واریانس مشکلات بین‌شخصی را پیش‌بینی می‌کند. سبک سهل‌گیرانه پدر با ضریب بتای  $0/174$  مشکلات بین‌شخصی فرزندان را پیش‌بینی می‌کند و سبک والدگری سهل‌گیرانه مادر با ضریب بتای  $0/73$  پیش‌بین مناسبی برای مشکلات بین‌شخصی فرزندان نبود.

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد، بین سبک والدگری مقتدرانه پدر و مادر با مشکلات بین‌شخصی فرزندان رابطه منفی وجود دارد. این یافته‌ها مطابق مطالعات در این زمینه (کارلو، وایت، استریت و نایت، ۲۰۱۷؛ گروسک و هاستینگ، ۲۰۱۵) که نشان داده‌اند سبک والدگری مقتدرانه والدین با مشکلات بین‌شخصی فرزندان رابطه منفی دارد، است و بر حسب احتمالات زیر تبیین می‌شود:

والدین با سبک والدگری مقتدرانه، رفتارهای عاطفی مثبت، مراقبت و آرامش را در روابط خود با فرزند به نمایش می‌گذارند و هنگام برقراری ارتباط با فرزندان، با ابراز احساسات مثبت، امکان تقلید و یادگیری این رفتارها را به فرزندان می‌دهند (گروسک و همکاران، ۲۰۱۵) و فرصتی را برای یادگیری راه‌های مؤثر تنظیم هیجان فراهم می‌سازند (آیزنبرگ و همکاران، ۲۰۱۵). سطح مناسب کنترل و انضباط، استدلال و ارائه توضیحات در مورد قوانین رفتاری، توجه کودکان به پیامدهای ناگوار رفتارهای مضر و اتخاذ رویکرد مناسب و همدلی با دیگران (آیزنبرگ و همکاران، ۲۰۱۵)، پذیرش مسؤلیت اعمال خود و مراقبت از دیگران جلب می‌کند (هاستینگ و همکاران، ۲۰۱۵). گرمی و محبت والدین مقتدر، منجر به رشد فرزندان با مهارت ارتباطی رشد یافته‌تر، مهارت حل مسأله، مسؤلیت‌پذیر و در نهایت مستقل‌تر می‌شود (کویرنر و فیتزپاتریک، ۱۹۹۷؛ به نقل از یانگ، کیم، لاروج و لی، ۲۰۱۴). علاوه بر این، سبک والدگری مقتدرانه با سطح مناسبی از پذیرش و کنترل، شناخت به موقع رفتارهای انحرافی و تعیین تنبیه‌های متناسب با رفتار، به شکل‌گیری مهارگری در کودک کمک می‌کند (کوری و فلچر، ۲۰۱۶). دلبستگی ایمن فرزندان به والدین خود باعث می‌شود که نسبت به خود و دیگران نگرش مثبت دارند، در ارتباطات شان متعهد هستند و در روابط صمیمانه احساس راحتی می‌کنند (دیکاسترا، بارلدز، رونر و نایوتا، ۲۰۱۷). این افراد از ویژگی احساس راحتی با نزدیکی و صمیمیت در روابط بین‌شخصی برخوردارند (میکولینسر و شیور، ۲۰۱۱).

نتایج این پژوهش نشان داد سبک والدگری آمرانه پدر و مادر با مشکلات بین‌شخصی فرزندان رابطه مثبت دارد. یافته‌های (بارنت، گاستافسون، دنگ، میلز-کونس و کاکس، ۲۰۱۲؛ لی و زی، ۲۰۱۷) نشان دادند والدگری آمرانه پیامدهای منفی رفتاری و روانی در روابط بین‌شخصی بسیاری برای فرزندان به وجود می‌آورد. این یافته را می‌توان به روش‌های زیر تبیین کرد:

عدم حمایت عاطفی و رفتاری والدین مستبد و در دسترس نبودن والدین وقتی که کودکان به آنها نیاز دارند منجر به اختلال افسردگی (گلاشکوف، کلیتمانگاس، پولکی، جوکلا، ویکاری و همکاران، ۲۰۱۷) و گرایش خصمانه در کودکان می‌شود (سامر و همکاران، ۲۰۱۷؛ فرالی و دیویس، ۱۹۹۷؛ به نقل از لوسون و بروسارت، ۲۰۱۳). افراد افسرده در برقراری روابط رضایت‌بخش دچار مشکل هستند (فوران و همکاران، ۲۰۱۲؛ به نقل از باروس-گومز، کیمز، اسمیت، کافرکی، استیت و همکاران، ۲۰۱۶). فرزندان والدین مستبد ارتباطات خود را برپایه خشونت بنا می‌کنند (ارو و کالوت، ۲۰۱۳). والدین با سبک والدگری آمرانه با کنترل روانی و رفتاری بالا و سرزنش مداوم، حرمت خود فرزندان را کاهش می‌دهد (ازدمیر و وازسونی و چوک، ۲۰۱۶؛ رایس و ویلیامز، ۲۰۱۷). دفاع از حق خود، مهارت نه گفتن، مهارت حل مسأله، احساس خود پیروی، به رسمیت شناختن حق انتخاب از ویژگی‌های افراد قاطع و با حرمت خود بالاست (ارول و همکاران، ۲۰۱۷). علاوه بر این، عدم تناسب تنبیه‌های رفتاری و روانی با عمل انجام شده و عدم ابراز هیجان‌های مثبت توسط والدین و درگیری‌های مکرر والد-فرزند، مهارگری فرزندان را کاهش می‌دهد (لی و همکاران، ۲۰۱۴). مهارگری و تنظیم رفتارهای بین‌شخصی تأثیر به‌سزایی در روابط بین‌شخصی دارد و کمبود این مهارت در فرزندان با والد مستبد می‌تواند مشکلات بین‌شخصی را افزایش دهد (برنشتاین و همکاران، ۲۰۱۷).

1. Carlo., White., Stret., & Knighth.

2. Grusec., & Hastings.

3. Yang., Kim., Laroche., & Lee.

4. Currie., & Fletcher.

5. Dijkstra., Barelds., Ronner., & Nauta.

6. Mikulince., & Shave.

7. Barnett., Gustafsson., Deng., Mills-Koonce., & Cox.

8. Li., & Xi.

9. Gluschkoff., Keltikangas., Pulkki-Råback., Jokela., Viikari., et al.

1 . Lawson, D. M., & Brossart, D. F. 0

1 . Barros-Gomes., Kimmes., Smith., Caffery., Stith., Durtschi., & McCollum.

1 . Orue., & Calvete. 2

1 . Özdemir., Vazsonyi., & Çok. 3

1 . Rice., & Williams. 4

یافته‌های این پژوهش نشان داد سبک والدگری سهل‌گیرانه با مشکلات بین‌شخصی رابطه مثبت اما غیر معنادار دارد. پژوهش‌های قبلی نشان دادند والدین سهل‌گیر اثرات منفی بر مهارت‌های ارتباطی فرزندان دارند (اسکودول، بندر، موری، الارسون، سیور، کلارک و همکاران، ۲۰۱۱؛ رن و ادواردز، ۲۰۱۷). نبود قوانین منسجم و منظم در صورت در دسترس نبودن والدین باعث سردرگمی فرزندان شده و سبک دلبستگی اضطرابی را شکل می‌دهند (پلرون، توماسلو و میگلوریسی، ۲۰۱۷). تسلیم شدن در برابر خواسته‌های دیگران و سلطه‌پذیری، احساس ناامنی و ترس از جدایی و اضطراب مداوم از ویژگی‌های این افراد است (مک کلینتوک و مک کریک، ۲۰۱۷). پریشانی و اضطراب در صورت حمایت نشدن از سوی دیگران (سالواتور، سالی، کیو، استیل، سیمپسون و همکاران، ۲۰۱۲)، دیدگاه کمتر مثبت در مورد خود و توانایی انجام کارها و وابستگی به دیگران از دیگر مشخصات افراد با سبک دلبستگی اضطرابی است. نداشتن نظارت مؤثر و عدم یادگیری تنظیم هیجان‌های خود در موقعیت‌های متفاوت، مهارگری و اعتماد به نفس فرزندان والدین سهل‌گیر را کاهش می‌دهد (هترینگتون و همکاران، ۲۰۰۲؛ به نقل از جیتاسینو و وارما، ۲۰۱۷). سبک والدگری متفاوت مادر و پدر در نمونه‌های این پژوهش و تعدا کم والدین سهل‌گیر در نمونه‌ها می‌تواند عدم معناداری سبک والدگری سهل‌گیر و مشکلات بین‌شخصی را توجیه کند.

با توجه به روش نمونه‌گیری فقط در شهر تهران و فراوانی فرهنگ‌های مختلف در آن، باعث می‌شود تا نتوان اثر فرهنگ و قومیتی خاص را مورد بررسی قرار داد. بنابراین تعمیم یافته‌های پژوهش در جمعیت‌هایی که دارای کلیشه‌های ویژه‌ای درباره سبک‌های والدگری و روابط بین‌شخصی هستند باید با احتیاط صورت گیرد. به دلیل این که طرح پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است نمی‌توان روابط علی میان متغیرها برقرار کرد. این یافته‌ها، متغیرهای تأثیر گذار بر موفقیت و شکست روابط بین‌شخصی را تا حدی روشن می‌کنند و می‌تواند در جهت بهبود مهارت‌های ارتباطی بین‌شخصی مفید باشد. برای مثال می‌توان برنامه‌هایی برای آموزش سبک‌های والدگری و پیشگیری از مشکلات بعدی روانشناختی برای والدین پایه‌ریزی کرد. بررسی سبک والدگری در مقایسه با سهم منحصر به فرد هر یک از والدین و به تنهایی در رابطه بین متغیرها در پژوهش‌های آینده از دیگر پیشنهادهایی است که با لحاظ کردن آن می‌توان مطالعات مفیدتری در این زمینه فراهم کرد.

## منابع

- بشارت، م. ع. (۱۳۸۸). بررسی پایایی، روایی و تحلیل عاملی فرم ۶۰ سوالی مقیاس مشکلات بین‌شخصی در جمعیت ایرانی. *روانشناسی معاصر*، ۸، ۳۶-۲۵.
- بشارت، م. ع. (۱۳۹۰). بررسی مقدماتی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه اقتدار والدین. گزارش پژوهشی. دانشگاه تهران.
- بشارت، م. ع.، هوشمند، ن.، رضازاده، م. ر.، و غلامعلی لواسانی، م. (۱۳۹۴). نقش تعدیل‌کننده ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی در رابطه بین سبک‌های والدگری و رضایت زناشویی. *مجله روانشناسی خانواده*، ۱، ۲۸-۱۵.
- ترکش دوز، ش. و فرخزاد، پ. (۱۳۹۵). بررسی رابطه اختلالات رفتاری کودکان با سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی. *مجله سلامت اجتماعی*، ۴، ۱۲۶-۱۱۸.
- تمنایی فر، م. ر. و کمال، ز. (۱۳۹۳). پیش‌بینی مهارت‌های اجتماعی بر اساس سبک‌های فرزندپروری. *مجله روان‌شناختی اجتماعی*، ۳۲، ۴۷-۳۷.
- صفائی‌ان، ا.، علیزاده، ح. و فرخی، ن. ع. (۱۳۹۵). پیش‌بینی کنش اجرایی برنامه‌ریزی و خودمهارگری در کودکان دارای اختلال کمبود توجه/فزونکنشی بر اساس سبک‌های والدگری. *علوم روانشناختی*، ۶۳، ۳۸۵-۳۷۱.

- Barnett, M. A., Gustafsson, H., Deng, M., Mills-Koonce, W. R., & Cox, M. (2012). Bidirectional associations among sensitive parenting, language development, and social competence. *Infant and Child Development*, 21, 374-393.
- Barros-Gomes, P., Kimmes, J., Smith, E., Cafferky, B., Stith, S., Durtschi, J., & McCollum, E. (2016). The Role of Depression in the Relationship Between Psychological and Physical Intimate Partner Violence. *Journal of Interpersonal Violence*.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11, 56-95.
- Baumrind, D. (1989). Rearing competent children. In W. Damon (Ed.), *Child development today and tomorrow* (pp. 349-378). San Francisco: Jossey-Bass.

1. Pellerone., tomasello., & miglioni.  
2. McClintock., & McCarrick.  
3. Haydon., Collins., Salvatore., Simpson., & Roisman.  
4. Jittaseno., & Varma.

- Boehnke, K. (2015). The Intergenerational Transmission of Interpersonal Problems: An Exploration. *Journal of Child and Family Studies*, 24, 29-99.
- Bornstein, J. X., & Shaffer, A. (2017). Examining trait self-control and communication patterns in romantic couples using the actor-partner interaction model. *Personality and Individual Differences*, 106, 222-225.
- Braza, P., Carreras, R., Muñoz, J. M., Braza, F., Azurmendi, A., Pascual-Sagastizábal, E., & Sánchez-Martín, J. R. (2015). Negative maternal and paternal parenting styles as predictors of children's behavioral problems: Moderating effects of the child's sex. *Journal of Child and Family Studies*, 24, 847-856.
- Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57, 110-119.
- Carlo, G., White, R., Streit, C., Knight, G. P., & Zeiders, K. H. (2017). Longitudinal relations among parenting styles, prosocial behaviors, and academic outcomes in US Mexican adolescents. *Child Development*, 88, 139-175.
- Cheng, C., Lau, H. P. B., & Chan, M. P. S. (2014). Coping flexibility and psychological adjustment to stressful life changes: A meta-analytic review. *Psychological Bulletin*, 140, 158-167.
- Currie, N., & Fletcher, T. (2016). Influence of parenting styles on self-control in emerging adults. *Proceedings of the West Virginia Academy of Science*, 88, 68-127.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: an integrative model. *Psychological bulletin*, 113, 487-496.
- David, M. E., & Bearden, W. O. (2017). The role of interpersonal attachment styles in shaping consumer preferences for products shown in relational advertisements. *Personality and Individual Differences*, 109, 44-50.
- Dijkstra, P., Barelds, D. P., Ronner, S., & Nauta, A. P. (2017). Intimate relationships of the intellectually gifted: attachment style, conflict style, and relationship satisfaction among members of the mensa society. *Marriage & Family Review*, 53, 262-280.
- Eisenberg, N., Spinrad, T.L., & Knafo-Noam, A. (2015). Prosocial development. In M.E. Lamb, & C. Garcia Coll (Vol. Eds.), R.M. Lerner (Series Ed.), *Handbook of child psychology*, Vol. 3, *Social, emotional, and personality development* (pp. 610-656), New York: Wiley
- Erol, R. Y., & Orth, U. (2017). Self-esteem and the quality of romantic relationships. *European Psychologist*.
- Gómez-Ortiz, O., Romera, E. M., & Ortega-Ruiz, R. (2016). Parenting styles and bullying: The mediating role of parental psychological aggression and physical punishment. *Child abuse & neglect*, 51, 132-143.
- Gluschkoff, K., Keltikangas-Järvinen, L., Pulkki-Råback, L., Jokela, M., Viikari, J., Raitakari, O., & Hintsanen, M. (2017). Hostile parenting, parental psychopathology, and depressive symptoms in the offspring: a 32-year follow-up in the Young Finns study. *Journal of affective disorders*, 208, 436-442.
- Green, J. (2017). Applying assertiveness skills: In the challenging environment of community care, district nurses need to have the skills to be assertive and inspirational managers. *Primary Health Care*, 27, 14-34.
- Grusec, J.E., & Hastings, P.D. (Eds.) (2015). *Handbook of socialization*. New York, NY: Guilford Press.
- Hastings, P., Miller, J., & Troxel, N.R. (2015). Making good: The socialization of children's prosocial development. In J. Grusec & P.D. Hastings (Eds.), *Handbook of socialization: Theory and research* (pp. 637-666). New York: Guilford Press.
- Horowitz, L. M., & Vitkus, J. (1986). The interpersonal basis of psychiatric symptoms. *Clinical Psychology Review*, 6, 443-469.
- Horowitz, L. M., Rosenberg, S. E., & Bartholomew, K. (1993). Interpersonal problems, attachment styles, and outcome in brief psychotherapy. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 61, 549-560.
- Jiang, H., Wang, L., Zhang, Q., Liu, D. X., Ding, J., Lei, Z., & Pan, F. (2015). Family functioning, marital satisfaction and social support in hemodialysis patients and their spouses. *Stress and Health*, 31, 166-174.
- Jittaseno, P., & Varma, P. (2017). Influence of parenting styles on self-regulated learning behavior mediated by self-efficacy and intrinsic value. *Scholar*, 8, 44-62.
- Lansford JE, Sharma C, Malone PS, Woodlief D, Dodge KA, Oburu P, Pastorelli C, Skinner AT, Sorbring E, Tapanya S, Tirado LM. (2014). Corporal punishment, maternal warmth, and child adjustment: a longitudinal study in eight countries. *J Clin Child Adolesc Psychol*. 43, 670-685.
- Lansford, J. E. (2017). An International Perspective on Parenting and Children's Adjustment. In: N. J. Cabrera., & B. Leyendecker (Eds.). *Handbook on Positive Development of Minority Children and Youth* (pp. 107-122). Switzerland: Springer.
- Lawson, D. M., & Brossart, D. F. (2013). Interpersonal problems and personality features as mediators between attachment and intimate partner violence. *Violence and victims*, 28, 414-428.
- Li, C., Dang, J., Zhang, X., Zhang, Q., & Guo, J. (2014). Internet addiction among Chinese adolescents: The effect of parental behavior and self-control. *Computers in Human Behavior*, 41, 1-7.
- Li, X., & Xie, J. (2017). Parenting styles of Chinese families and children's social-emotional and cognitive developmental outcomes. *European Early Childhood Education Research Journal*, 25, 637-650.
- Maccoby, E. E., & Martin, J. A. (1983). Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. In P. Mussen (Ed.), *Handbook of child psychology* (Vol. 4, pp.1-101). New York: Wiley.
- Malti, T., Eisenberg, N., Kim, H., & Buchmann, M. (2013). Developmental trajectories of sympathy, moral emotion attributions, and moral reasoning: The role of parental support. *Social Development*, 22, 773-793.
- McClintock, A. S., & McCarrick, S. M. (2017). An examination of dependent personality disorder in the alternative DSM-5 model for personality disorders. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 39, 1-7.



- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2011). An attachment perspective on interpersonal and intergroup conflict. In J. P. Forgas, A. W. Kruglanski, & K. D. Williams (Eds.). *The Sydney Symposium of Social Psychology: Vol. 13. The psychology of social conflict and aggression* (pp. 19-35). New York: Psychology Press.
- Orue, I., & Calvete, E. (2012). Justification of violence as a mediator between exposure to violence and aggressive behavior in children. *Psicothema*, 24, 42-47.
- Özdemir, Y., Vazsonyi, A. T., & Çok, F. (2013). Parenting processes and aggression: The role of self-control among Turkish adolescents. *Journal of Adolescence*, 36, 65-77.
- pastorelli, C., Lansford, J. E., Luengo Kanacri, B. P., Malone, P. S., Di Giunta, L., Bacchini, D., & Tapanya, S. (2016). Positive parenting and children's prosocial behavior in eight countries. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 57, 824-834.
- Pellerone, m., tomasello, g., & miglioni, s. (2017). Relationship between parenting, alexithymia and adult attachment styles: a cross-sectional study on a group of adolescents and young adults. *Clinical Neuropsychiatry*, 14, 1-10.
- Ren, L., & Edwards, C. P. (2017). Chinese parents' expectations and child preacademic skills: The indirect role of parenting and social competence. *Early Education and Development*, 28, 1-20.
- Rice, L. M., & Williams, S. R. (2017). How different parenting styles affect children's self-esteem. *University Presentation Showcase Event*, 47, 83-98.
- Salvatore, J. E., Sally, I., Kuo, C., Steele, R. D., Simpson, J. A., & Collins, W. A. (2011). Recovering from conflict in romantic relationships: A developmental perspective. *Psychological Science*, 22, 376-383.
- Skodol, A. E., Bender, D. S., Morey, L. C., Alarcon, R. D., Siever, L. J., Clark, L. A., et al. (2011). Proposed changes in personality and personality disorder assessment and diagnosis for DSM-5 part I: description and rationale. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*, 1, 4-22.
- Sommer, J., Babcock, J., & Sharp, C. (2017). A dyadic analysis of partner violence and adult attachment. *Journal of Family violence*, 32, 279-290.
- Yang, Z., Kim, C., Laroche, M., & Lee, H. (2014). Parental style and consumer socialization among adolescents: A cross-cultural investigation. *Journal of Business Research*, 67, 228-236.



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی